

عصر مهدویت و حقوق محیط زیست

در نوشتار حاضر، برای تبیین وضعیت حقوق محیط زیست در عصر مهدوی، ابتدا به وضعیت حقوق مزبور و اهمیت و شرایط بحرانی آن در جهان امروز اشاره می‌شود.



در نوشتار حاضر، برای تبیین وضعیت حقوق محیط زیست در عصر مهدوی، ابتدا به وضعیت حقوق مزبور و اهمیت و شرایط بحرانی آن در جهان امروز اشاره می‌شود. سپس برای تشریح بیشتر موضوع در حکومت جهانی موعود، به طور اجمال، این مسأله در سیره معصومان علیه السلام بررسی می‌شود. نتیجه این بررسی نشان خواهد داد توجه ویژه حکومت مهدوی به موضوع محیط زیست و ارتقای تعالی بخشی به آن، ریشه در تفکر ناب اسلامی دارد.

آن‌گاه به طور ویژه، مبحث حاضر در آموزه مهدوی تحقیق شده و این نتیجه به دست خواهد آمد که در عصر ظهور، حقوق محیط مذکور به نحو کامل رعایت شده و حتی موجودات و محیط زیست آن‌ها در گستره‌هایی به وسعت جهان هستی، در حیات مادی و معنوی تکامل یافته به نهایت تحقق استعدادها و قابلیت‌های بالقوه خویش خواهند رسید و عالم هستی از هرگونه آلودگی مادی و معنوی، پاک خواهد شد. در خاتمه، برخی ویژگی‌های زیست‌محیطی دوران طیبه مهدوی به نحو اجمالی یادآور می‌شود.

بنابراین محیط زیست و موجودات هستی با این تحول و استحاله ایجابی، به اصل و وضع اصلی و طبیعی والهی خود باز خواهند گردید و بنا به تعریف عدل (قرارگرفتن هر چیز در جای خود و استیفای اهلیت‌ها و استحقاق‌ها) عدالت درباره آن‌ها اجرا شده و به نهایت اهلیت و سزاواری و تحقق استعدادها و قابلیت‌های مکنون خویش دست خواهند یافت.

کلید واژه‌ها: محیط زیست، مهدویت، احادیث، تخریب، حیات.

موضوع محیط زیست و ضرورت صیانت و حمایت از آن در تاریخ بشر از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردار بوده است، تا جایی که این امر، انسان‌ها و جامعه انسانی را واداشته است در چند دهه اخیر، با وضع مقررات و قواعد ویژه‌ای، حقوق خاصی را تحت عنوان حقوق محیط زیست تدوین نمایند. با این وجود، هنوز هم بشر مدرن نتوانسته تبعات مخرب حیات صنعتی، ماشینی و مصرفی خود را بر محیط زیست کنترل کند و جهان، همواره با روند تخریب و آلودگی روزافزون محیط مزبور روبه‌رو است.

نظر به ضرورت طرح مباحث جدید و گشودن زوایای جدید در حوزه موضوع مهدویت، این مقاله تلاش دارد نوع نگرش به محیط زیست و جایگاه آن را در حیات طیبه مهدوی بررسی کرده و این ادعا را اثبات نماید که حقوق محیط مذکور و همچنین حقوق کلیه جانداران و گیاهان در عصر ظهور، به نحو کامل رعایت شده و حتی این موجودات و محیط زیست آن‌ها در دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه به نهایت تحقق استعدادها و قابلیت‌های بالقوه خویش خواهند رسید.

فصل اول: نگرشی به حقوق محیط زیست در جهان امروز

«محیط زیست یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های بشر و جهان مدرن در چند دهه گذشته تاکنون بوده است. بر همین مبنای ایجاد و تحول حقوق و تکالیف مربوط به محیط مزبور - چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین الملل - از مسائل بسیار مهمی است که ذهن بسیاری از صاحب‌نظران، دولتمردان و انبوهی از سازمان‌های جهانی و معاهدات بین‌المللی را به خود معطوف و مشغول کرده است.

البته محیط زیست - دست‌کم به معنای امروزی آن - در بسیاری از زبان‌ها یک اصطلاح نو و تازه است و سابقه کاربرد آن در زبان فرانسه، به قرن دوازدهم برمی‌گردد. این اصطلاح، از آغاز دهه 1990 م کاربرد گسترده پیدا کرده است.

محیط زیست از گذشته‌های دور نیز مورد احترام تمدن‌ها و فرهنگ‌های پیشین بوده و از قداست خاصی برخوردار بوده است؛ برای نمونه بین ایرانیان، پرستش میترا یا خورشید، بین هندیان و مصریان، تقدیس رودخانه‌های گنگ و نیل و بین بابلیان، پرستش ستارگان رواج داشته و در کتاب‌هایی چون ریگ‌ودا (کتاب مقدس هندوان)، تورات و قانون حمورابی درباره حفظ منابع طبیعی و خود آلودگی محیط زیست مطالبی، وجود دارد. اقوام دیگر چون فنیقی‌ها، لیدی‌ها، هیتی‌ها، اقوام مایا و اینکا نیز به تقدیس پدیده‌های طبیعی پرداخته‌اند که نشانه ایده‌علاقه به طبیعت و حفظ محیط زیست از ادوار گذشته می‌باشد. [1]

با ظهور انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، آسیب‌های زیست محیطی - به‌ویژه در جهان صنعتی غرب - شکل بسیار ملموس‌تری یافت و پس از آن، در قرن بیستم خسارات زیست محیطی با قضایایی همچون «تربیل اسمیلتر» در سال 1941م، «کانال کورفو» در 1949م «اختلاف دریاچه لانو» در 1959م، «اختلاف سدگات» در 1998م، «قضیه کاسموس» در سال 1998م در فضا، فاجعه کارخانه شیمیایی «بوپال هند» در سال 1984م، فاجعه «نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل» در 29 آوریل 1989م و آلودگی‌های ناشی از حریق عمدی چاه‌های نفت کویت توسط عراق در جنگ دوم خلیج فارس، شکل عینی‌تر و بحرانی‌تری یافت و نشان داد که بشریت برای چیرگی بر این خطرات، نیازمند عزمی جهانی و برنامه‌ریزی دقیق و انجام اقدامات قاطع و فراگیر در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ زیرا در غیر این صورت، حیات بشری دچار نابودی و انهدام روز افزون‌تری خواهد شد.

امروزه تهدیدهای زیست محیطی، دامنه وسیعی را در برمی‌گیرد؛ از جمله: آب وهوا، میزان حرارت و گرم شدن دمای زمین، بالا آمدن سطح دریاها، حفظ گونه‌های مختلف، به ویژه نادر گونه‌های گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ازن، آثار فعالیت‌های صنعتی، تخریب جنگل‌ها، آلودگی آب‌ها، باران‌های اسیدی، آلودگی‌های صوتی، نظامی، هسته‌ای و مانند آن.

از سویی برخی از این ضایعات زیست محیطی، خود نیز منشأ ضایعات گسترده‌تری شده‌اند؛ برای نمونه کارشناسان معتقدند قطع درختان جنگلی به صورت انبوه و انتشار پیاپی ضایعات صنعتی در فضا، سبب تغییرات بسیار نامطلوب در وضعیت آب و هوای جهانی و بالا آمدن سطح آب دریاها و - به تبع آن - زیر آب رفتن دشت‌های ساحلی و گسترش امواج گرمازا شده است؛

همچنان که سوخت‌های فسیلی و استفاده نامتناسب و گسترده از آن‌ها، سبب افزایش دی‌اکسیدکربن زمین و ایجاد پدیده گازهای گلخانه‌ای شده است. وجود گازهای سمی منتشر شده از فعالیت‌های صنعتی، به اسیدی شدن باران‌ها انجامیده و آب‌های مصرفی و فضایحیاتی موجودات دریایی را مسموم کرده و سلامت انسان‌ها را به خطر انداخته است.

امروزه، این اعتقاد وجود دارد که اگر چه موضوعات محیط زیستی، از جهت روابط بین‌الملل، پدیده‌های جدیدی نیست، با توجه به وخامت اوضاع آن، رهبران جهان به طور فزاینده‌ای مسائل محیط زیستی را از موضوعات حاشیه‌ای و جانبی، به دستور کار اصلی سیاسی خود منتقل کرده‌اند.

همچنان که همین رویه نیز درباره عملکرد سازمان‌های بین‌المللی و جهانی در نحوه برخورد پیشگیرانه از آلودگی محیط زیست مشاهده می‌شود. تصویب و انعقاد ده‌ها معاهده و کنوانسیون زیست محیطی، بیان‌کننده چنین اهمیت روزافزونی است.

باید خاطرنشان نمود که اصطلاح «محیط زیست» را می‌توان به یک منطقه یا تمام سیاره و حتی به فضای خارجی‌ای که آن را احاطه کرده است اطلاق کرد. یونسکو، برای محیط زیست، از اصطلاح «بیوسفر» یا لایه حیاتی نام برده که از تعاریف موسع در این باره بوده و عبارت است از: «محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر، همه حیات در آن استمرار دارد». در حقیقت، بیوسفر یا لایه حیاتی، همان لایه و قشرنازکی است که این کره خاکی را در میان گرفته و شامل زمین و هزار متر بالای آن و عمق زمین و اقیانوس‌ها است.

همچنین محیط زیست، شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌باشد که در حقیقت، حیات انسانی، جانوری، گیاهی و رشد آن‌ها از این محیط اثر می‌پذیرد. همچنین از نظر برخی کنوانسیون‌های محیط زیستی، محیط مذکور، شامل بخش‌های زیر می‌شود:

الف. منابع طبیعی - اعم از تجدیدپذیر و غیر قابل تجدید - مانند هوا، آب، خاک و کلیه جانوران و گیاهان و تأثیر متقابل این عوامل بر یکدیگر؛

ب. اموال و دارایی‌هایی که از میراث فرهنگی می‌باشند؛

ج. مناظر و چشم اندازهای ویژه.

از این‌رو، محیط زیست ساخت دست بشر، شامل بناها، آثار تاریخی، ساختمان‌های گوناگون یا مناظر و چشم اندازهای ویژه در جایگاه بخشی از محیط زیست، باید برابر خرابی حراست شوند؛ همان‌طور که منابع طبیعی کره زمین از جمله هوا، آب، زمین، گیاهان، حیوانات - به ویژه نمونه‌های معرف اکوسیستم‌های طبیعی - باید به نفع نسل‌های حاضر و آینده، حفاظت شوند و با منطقی کردن مدیریت تولید و مدیریت منابع، تعارض موجود میان توسعه و محیط زیست حل شود؛

اما متأسفانه به وضوح مشخص است که انسان عصر فراصنعتی و دوره «بیوتکنوالکترونیک» امروز، نتوانسته است بر معضل نابودی و تخریب محیط زیست توسط خویش فائق آید و با نابودی فزاینده جنگل‌ها، افزایش بیابان‌ها، آلودگی هوا و آب و خاک، محیط زیست و انقراض گونه‌هایی از حیات جانوری و گیاهی مواجه است. این فرایند، در مداری بسته و قهقراپی، پیوسته در حال تکرار است. باز هم متأسفانه سرعت تخریب محیط مزبور از سرعت ترمیم آن، روز افزون‌تر است.

فصل دوم: حقوق محیط زیست در سیره نبوی و معصومان علیهم السلام

در بحث از آموزه مهدویت، همواره نظر کردن به سیره عموم معصومان - از خاتم انبیا صل الله علیه و آله تا امام یازدهم علیه السلام - راه‌گشا و ضروری است؛ زیرا حاکمیت و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نقطه پایانی و تکمیل رسالت نبوی و امامت سایر معصومان علیه السلام خواهد بود. بدیهی است این سیره، شارح و مبین آموزه مهدویت است؛ همان‌طور که این آموزه نیز مکمل و مبین سیره مزبور می‌باشد. بدین لحاظ این‌جا به گونه‌ای بسیار اجمالی به جایگاه حقوق موجودات - اعم از جانوری و گیاهی و محیط زیست آن‌ها - در جایگاه مدخلی مقدماتی در تبیین بحث مذکور در آموزه مهدویت می‌پردازیم.

ابتدا باید گفت پیامبر مکرم اسلام صل الله علیه و آله به این موضوع بسیار اهمیت می‌داده است. در نهج الفصاحة و دیگر کتاب‌های روایی، احادیث فراوانی از آن حضرت درباره اهمیت درخت و درخت‌کاری و عمران و آبادانی محیط زیست نقل شده است؛ از جمله: هرکس درختی بنشانند که انسانی یا دیگر مخلوق خدا از آن بخورد، برای وی صدقه‌ای است. [2]

هرکسی درختی بنشانند، خدا به اندازه میوه‌ای که از آن درخت برون می‌شود، برای وی پاداش ثبت می‌کند [3]. [خداوند] درخت را برای انسان آفرید؛ پس او را مکلف گرداند که درخت بکارد، آن را آبیاری کند و در حفظ آن بکوشد. [4] هرکس درخت محتاج به آبیاری را سیراب نماید، گویی انسان مؤمن تشنه‌ای را سیراب کرده است. [5]

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله در حدیث فاخر دیگری، کاشت درخت، جاری کردن نهر و حفرچاه را سه مورد از صدقات جاریه، همپای اثر فرزند صالح و ساخت مسجد به شمار آورده است که پاداش آن نیز برای فاعل آن، تا ابد دوام می‌یابد. به فرموده آن حضرت، هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: کسی که دانشی بیاموزد، نهری به جریان آورد، چاهی حفر کند، نخلی بکارد، مسجدی بسازد، مصحفی به ارث گذارد یا فرزندی بر جا نهد که پس از مرگش برای او آمرزش خواهد. [6]

پیامبر گرامی اسلام صل الله علیه و آله در حدیث ارزشمندی، زمین راهمچون مادری می‌داند که حفاظت و مراقبت از آن، بر همگان واجب و لازم است: زمین را خوب نگاه دارید که گویی مادر شما است. هرکس بر روی زمین خوبی کند یا بدی کند، زمین خبر می‌دهد. [7] توصیه‌های پیامبرگرامی صل الله علیه و آله درباره حفظ حقوق حیوانات و برخورد ملاطفت‌آمیز با آن‌ها فراوان است. آن حضرت، بر نهی شدید از اذیت و کشتن نا بجای حیوانات، بر رسیدگی کامل به آن‌ها تأکید می‌ورزد؛ از جمله:

1. چهارپا و مرکب بر صاحبش شش حق دارد:

هرگاه پیاده شد، به او علف دهد؛ هرگاه از کنار آب گذشت، آب را بر او عرضه کند؛ او را نزند، مگر از روی حق؛ بیش از طاقتش بر او بار نگذارد؛ بیش از طاقتش او را راه نبرد و او را زیر بار سنگین خود نایستاند. [8]

2. هر حیوان، پرنده یا غیر آن که به ناحق کشته شود، روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند. [9]

3. هر کسی گنجشکی را بیهوده بکشد، روز قیامت، [آن گنجشک] بیاید و نزد عرش فریاد زند و گوید: «پروردگارا! از این پیرس: چرا مرا بی‌فایده کشت؟». [10]

4. زنی به جهنم رفت؛ زیرا گربه‌ای را بسته بود و چیزی بدو نخوراند و نگذاشت از چیزهای زمین بخورد، تامرد. [11]

در روایات نبوی، بر ساخت‌وساز و عمران محیط زیست تأکید فراوانی شده است. آن حضرت افراد را از مسکن گزیدن در خانه‌های ویران برحذر داشته و عدم اجابت دعای چنین کسی را همانند فردی دانسته است که در حفظ حیوان تحت مالکیت خویش اهمال می‌ورزد و فرموده است: سه کسند که خدا دعایشان را نمی‌پذیرد؛ مردی که در خانه ویران جای گیرد، مردی که کنار راه اقامت گزیند و مردی که حیوان خود را رها کند و سپس دعا کند که خدا آن را نگه دارد. [12]

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله در احادیث فراوان دیگری، خرج کردن برای اسب را همچون نفقه ضروری دانسته و ضمن همانند

دانستن آن با صدقه، امساک در این باره را نهی کرده و صاحبان این حیوان را برای افزایش برکت آن، به نوازش پیشانی آن، توصیه فرموده است.

بدیهی است با توجه به کاربرد گسترده حیواناتی مانند اسب در امور نظامی و حمل و نقل، تأکید حضرت بر اسب، به صورت نمادین بوده و در واقع ناظر بر حفظ حقوق سایر حیوانات نیز می‌باشد؛ همچنان که پیامبر صل الله علیه و آله مردم را به تکریم گاو در جایگاه مهتر چهارپایان توصیه می‌نمایند. همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله مردم را از شلاق زدن - به خصوص به صورت چهارپایان - و کشتن زنبور عسل نهی می‌کرد. [13] در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام به علت نهی از شلاق زدن به چهره حیوانات این گونه اشاره شده که حیوانان، با صورت خود خداوند را تسبیح می‌کنند. [14] نیز امام حسین علیه السلام در این باره فرمود:

برای هر چیز، حرمتی نهاده‌اند و حرمت چهارپایان، در چهره آن‌ها نهفته است. در روایات اسلامی، انسان‌های فاقد عقل، در ردیف چهارپایان به شمار آمده‌اند و حتی انسانی که شهوتش را بر عقلش حاکم می‌کند از چهارپایان بدتر به شمار آمده است. بدین ترتیب، حیوانات، به دلیل فقدان عقل، در مرتبه پایین‌تر از انسان‌ها قرار داده شده‌اند؛ ولی این مسأله دلیلی بر تجویز عدم مراعات حقوق آن‌ها نیست، چنان که در برخی روایات، موجودات جانوری، چهار دسته به شمار آمده‌اند:

اول، انسان‌ها که کامل‌ترین موجودات هستند، سپس چهارپایانند که مهتری آن‌ها با گاو است و سومین دسته پرندگان هستند که مهتر آن‌ها کرکس است و چهارمین صنف متعلق به حیوانات وحشی، با مهتری شتر است. در این روایت، حضرت علی علیه السلام تصریح فرموده است که گاو، عقاب و شیر برای صنوف زیر مجموعه خویش، با تضرع، از خداوند رزق و شفاعت می‌خواهند.

بدین ترتیب، بیان شده است که همه حیوانات، اهل تسبیح خداوند بوده و به سبک و سیاق خویش پروردگار را عبادت می‌کنند. [15] با توجه به این نوع نگرش دین اسلام به حیوانات و حتی گیاهان، علت توصیه به رفتار محبت آمیز و محترمانه و مودت‌آمیز توسط این دین حنیف، بیشتر مشخص می‌شود.

سیره امام علی علیه السلام نیز مشحون حمایت از حقوق محیط زیست و رعایت حقوق حیوانات است. فراز دوم نامه 25 حضرت که در واقع، دستورالعملی برای جمع آوری مالیات است، یکی از بهترین منشورهای اسلامی در زمینه رعایت حقوق حیوانات است.

این بخش از نامه که در سال 39 ق به کارگزاران نگارش یافته است، نحوه جمع آوری مالیات‌هایی که از حیوانات جمع آوری می‌شود را یادآوری کرده، نوع برخورد و نگهداری این حیوانات را تا تحویل به بیت‌المال مسلمین چنین شرح می‌دهد و عمل به این دستورالعمل را مایه هدایت و بزرگی پاداش الهی به شمار می‌آورد:

در رساندن حیوانات، آن را به دست چوپانی بسپار که خیرخواه و مهربان، امین و حافظ که نه سختگیر باشد و نه ستمکار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند. سپس آنچه از بیت‌المال جمع آوری شد، برای ما بفرست، تا در نیازهایی که خدا اجازه فرموده مصرف کنیم. هرگاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شیر آن را ندوشد، تا به بچه‌اش زیان وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند، و حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است، مراعات بنماید.

آن‌ها را در سر راه، به درون آب ببرد، و از جاده‌هایی که دو طرف آن، علفزار است به جاده بی‌علف نکشاند، و هرچند گاه شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند، و هرگاه به آب و علفزار رسید، فرصت دهد علف بخورند و آب بنوشند، تا آن‌گاه که به اذن خدا برما وارد شوند، فربه و سرحال، نه خسته و کوفته باشند، تا آن‌ها را بر اساس رهنمود قرآن و سنت پیامبر صل الله علیه و آله تقسیم کنیم. عمل به دستورهای یاد شده، مایه بزرگی پاداش و نیز هدایت تو خواهد بود.

پی نوشت ها:

[1]. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج 1 تا 5.

[2]. «مَنْ عَرَسَ عَرَسًا لَمْ يَأْكُلْ مِنْهُ أَدَمِيٌّ وَلَا خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ» نهج الفصاحة، ص 493، ح 2921.

[3]. «مَا مِنْ رَجُلٍ يَعْرِسُ عَرَسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرًا مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْعَرَسِ»، همان، ص 535، ح 2674.

- [4]. «...وَ خَلَقَ لَهُ الشَّجَرَ فَكَلَفَ عَرَسَهَا وَسَقِيَهَا وَالْقِيَامَ عَلَيْهَا»، بحارالانوار، ج3، ص86.
- [5]. «مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأْتَمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظِمَاءٍ»، وسائل الشيعه، ج12، ص25، باب 10، ح4؛ تفسير عياشي، ج2، ص86، ح44.
- [6]. نهج الفصاحة، ص140، حديث1730.
- [7]. «تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ وَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٌ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَهِيَ مُخَيَّرَةٌ بِهِ»، نهج الفصاحه، ص663، ح1130.
- [8]. «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتٌّ خِصَالٌ: يَعْطِقُهَا إِذَا نَزَلَ، وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ، وَلَا يَضْرِبُهَا إِلَّا عَلَى حَقٍّ، وَلَا يَحْمِلُهَا مَا لَا تُطِيقُ، وَلَا يَكْلِفُهَا مِنَ السَّيْرِ إِلَّا طَاقَتَهَا وَلَا يَقِفُ عَلَيْهَا فُوقًا». مستدرک الوسائل، ج8، ص258، ح9393.
- [9]. وسایل الشيعه، ج8، ص319.
- [10]. نهج الفصاحه، ص526، ح2763.
- [11]. همان، ح1559.
- [12]. شيخ صدوق، خصال، ص299؛ مجلسی، بحارالانوار، ج103، ص129.
- [13]. شيخ صدوق، امالی، ص512.
- [14]. شيخ كليني، كافي، ج6، ص538.
- [15]. سيدصادق موسوی، تمام نهج البلاغه، ج3، ص216، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بيروت، 1426ق؛ خطبه‌های شگفت، ترجمه سيدعلی رضا حجازی، ص180، فارسی الحجاز، قم، 1384ش.
- منبع: ماهنامه انتظار موعود - شماره 24